

فعالیت ۱، ص ۱۰

چشمش : آری، چون از دو هجا تشکیل شده است . چشم (cvc) - مش (cvc) در هجای اول اگر چه /چ/ و /ش/ واجگاه مشترک دارند ، بین آنها مصوت _ قرار گرفته است و هجای دوم هم طبق قواعد و الگوی واجی است .
مُتدین: آری، چون این واژه از ۴ هجا تشکیل شده است که همگی طبق قواعد و الگوی واجی است. مُ - (c v)
ت- (c v) دَی - (c v c) ی (c v c)

پپرند: آری، ساختن این واژه طبق قواعد و الگوی واجی ممکن است . بِ (cv) - پَ (cv) - رَند (cvcc) اگرچه دو واج «ب» و «پ» واجگاه مشترک دارند بین آنها مصوت کوتاه _ قرار دارد و طبق قواعد و الگوی واجی ساختن این واژه ممکن است .
داگک (cvcc): اگرچه این واژه طبق الگوی هجایی «cvcc» است ، گ و ک واجگاه مشترک دارند و بدون مصوت پشت سرهم قرار گرفته اند به این دلیل ساختن چنین واژه ای ممکن نیست .

فعالیت ۲، ص ۱۲

ساده ترین روش علمی برای تجزیه ی جمله ، روش جانشین سازی است یعنی؛ در هر بار ، هر بخش یا واحدی دیگر جایگزین شود .

- ۱- پرنده ، آسمان آبی را نشانده است . این جمله از نظر معنا غلط است ، باید گروه فعلی دیگری جانشین گروه فعلی «نشانده است» شود تا معنی جمله طبق قواعد معنایی زبان معیارگردد . ←
پرنده ، آسمان آبی را پیمود یا پرنده در آسمان آبی پرواز کرد .
- ۲- کیفم با دلخوری مدادش را تراشید . این جمله از نظر معنا غلط است . باید گروه اسمی دیگری ، جانشین گروه اسمی «کیفم» شود . ← علی با دلخوری مدادش را تراشید .
خود آزمایی درس اول (قواعد ترکیب) صفحه ی ۱۳

- ۱- قاعده ی نحوی: زهراتکالیف زهرا رانوش. صحیح: زهرا تکالیفش را نوشت.
قاعده معنایی: کتابم به دوستم سلام کرد. صحیح: مریم به دوستم سلام کرد.
- ۳- صامت+مصوت: به-با

صامت+مصوت+صامت: پیر - نان-نور

صامت+مصوت+صامت+صامت: دوست-کاشت- درس

۷ «امیرکبیر دولتی دبیرستان» خلاف قواعد هم نشینی است .

« دانش آموز در درس ۷ خواندن کوشا هستند . » خلاف قواعد نحوی است ، زیرا نهاد جدا و پیوسته با هم مطابقت ندارد .
«کتاب پرنده را شکار کرد . » خلاف قواعد معنایی است ، زیرا «کتاب» نمی تواند پرنده را شکار کند ، باید به جای گروه

اسمی « کتاب » یک گروه اسمی دیگر مثل «صیاد» جانشین شود ← صیاد پرنده را شکار کرد .

۴- ابوعلی سینا در همان زمان در همدان تدریس می کرد .

ابوعلی سینا در همان زمان زنده بود (۳ جزئی مسندی) تدریس می کرد (۳ جزئی مفعولی)
نهاد گزاره

گروه اسمی گروه اسمی گروه فعلی

مفعول فعل

ابوعلی سینا تدریس می کرد

۵- گل: صامت+مصوت+صامت

رعد: صامت+مصوت+صامت+صامت+صامت: ماه+صامت+مصوت+صامت

خویشتن: ۱- خویش: صامت+مصوت+صامت / ۲- تن: صامت+مصوت+صامت

دانشمند: دا: صامت+مصوت / نش: صامت+مصوت+صامت / مند: صامت+مصوت+صامت+صامت

خورشید: خور: صامت+مصوت+صامت / شید: صامت+مصوت+صامت

مؤذّن: مو: صامت+مصوت / ءذ: صامت+مصوت+صامت / ذن: صامت+مصوت+صامت

فعالیت ۱، ص ۱۴

جمله های مستقل یک فعلی (ساده) :

۱- دمای اجرام آسمانی چه قدر است ؟ ۲- کی و چگونه پدید آمده اند ؟

۳- با گذشت زمان ، چه تغییراتی در آن ها ایجاد شده است ؟

۴- چه تاثیری بر اجرام آسمانی دیگر دارند ؟ ۵- آینده ی آن ها چگونه خواهد بود ؟

جمله های مستقل چند فعلی (مرکب) :

۱- اختر شناسی علمی است که به مطالعه ی اجرام آسمانی می پردازد .

۲- بسیاری از اختر شناسان کوشیده اند به پرسش هایی از این قبیل پاسخ دهند که هریک از اجرام آسمانی در چه فاصله ای

از زمین قرار دارند؟ . . .

فعالیت ۲ ، ص ۱۶

گروه اسمی هسته تعداد واژه تعداد تکواژ

این پرسش ها پرسش ۲ این ، پرسش ها ۴ این ، پرس ، ش ، ها

دمای اجرام آسمانی دما ۵ دما ، ی ، اجرام ، ، آسمانی ۶ دما ، ی ، اجرام ، ، آسمان ، ی

ابزارهای گوناگون ابزار ۳ ابزارها ، ی ، گوناگون ۶ ابزار ، ها ، ی ، گون ، ا ، گون

آینده ی آن ها آینده ۳ آینده ، ی ، آن ها ۵ آی ، نده ، ی ، آن ، ها

مشاهده ی اجرام آسمانی مشاهده ۵ مشاهده ، ی ، اجرام ، ، آسمانی ۶ مشاهده ، ی ، اجرام ، ، آسمان ، ی

شاخه های تخصصی شاخه ۳ شاخه ها ، ی ، تخصصی ۶ شاخ ، ه ، ها ، ی ، تخصص ، ی

تاریخچه ی جهان تاریخچه ۳ تاریخچه ، ی ، جهان ۴ تاریخ ، چه ، ی ، جهان

فعالیت ۳ ، ص ۱۶

گروه اسمی واژه ها تعداد تکواژها هسته تعداد واج های هسته

هرچهار کارمند ساده ۵ ه ، چهار ، کارمند ،

ساده ۶ هر ، چهار ، کار ، مند ، ، ساده کارمند ۷ ک / ا / ر / م / ا / ن / د

آن آدم های کوشا ۴ آن ، آدم ها ، ی ، کوشا ۶ آن ، آدم ، ها ، ی ، کوش ، ا ، آدم ۵ ا / د / ا / م

دفتربه های مشق بچه ها ۵ دفتربه ها ، ی ، مشق ، ، بچه ها ۸ دفتربه ، ها ، مشق ، بچه ، ها ، دفتربه ۸ د / ا / ف / ا / ت / ا / ر / ا / چ / ا /

داستان های جن و پری ۵ داستان ها ، ی ، جن ، و ، پری ۶ داستان ، ها ، ی ، جن ، و ، پری داستان ۶ د / ا / س / ا / ت / ا / ن

توجه :

در واقع از جمله ی « بسیاری از اخترشناسان تا پایان بند » یک جمله مستقل مرکب است . ولی با توجه به صورت سؤال که

جملات یک فعلی را خواسته است از جمله ی « دمای اجرام آسمانی چه قدر است ؟ تا . . . آینده آن ها چگونه خواهد بود »

را هر کدام یک جمله ی مستقل یک فعلی به حساب آورده ایم .

خود آزمایی درس دوم (جمله) ، ص ۱۹

۱- اخترشناسان: اختر: تکواژ آزاد قاموسی / شناس: آزاد قاموسی / ان: وابسته ی تصریفی

تاریخچه: تاریخ: آزاد قاموسی / چه: وابسته اشتقاقی

آفریدگار: آفرید: آزاد قاموسی / گار: وابسته ی اشتقاقی

نیکوترین: نیکو: آزاد قاموسی / ترین: وابسته تصریفی

گل خانه: گل و خانه هر دو آزاد قاموسی

دانش پژوه: دان: آزاد قاموسی / -ش: وابسته اشتقاقی / پژوه: آزاد قاموسی

۲- الف) شاعری غزلی بی معنا و قافیه سروده بود . (مستقل ساده)

ب) آن را نزد جامی برد . (مستقل ساده)

پ) پس از خواندن آن گفت: «همان طوری که دیدید ، در این غزل از حرف «الف» استفاده نشده است . « (مستقل مرکب)

ت) جامی گفت : «بهبتر بود از سایر حروف هم استفاده نمی کردید!» (مستقل مرکب)

۳- هریک از کلمات هم آوای زیر را تا حد امکان گسترش دهید و طولانی ترین گروه اسمی معنا دار را با آن بسازید :

انتصاب : همان یک انتصاب نادرست او انتساب : چنین انتساب عالی خانواده

تعلم : همین تعلم دوره ی ترتیب معلم شیراز تالم : بزرگترین تالم خاطر دوران کودکی مادر بزرگ حیات : حیات شورانگیز

عاشقان دلسوخته ی الهی حیاط : بزرگ ترین حیاط مدرسه ی شهر ما

جذر : جذر این عدد چهار رقمی جزر : جزر فریبنده ی رودخانه ی اروند
برائت:همین برائت مسلمانان جهان از مشرکین براعت: این براعت طبع بزرگان دین اسلام
خویش: همان خویشان بزرگ پدر او خیش: این خیش فرسوده ی مزرعه ی ما
صواب:این دو کار صواب دانش آموزان مدرسه ما ثواب: بهترین ثواب آخرت انسان ها
خود آزمایی درس سوم (ویرایش) ، ص ۲۹
۱-موضوع ساده اما نگران کننده این است که وقتی انرژی بدن کاهش یابد می تواند، به راحتی شما راعصابانی کند.
موضوع ساده اما نگران کننده این است که کاهش انرژی بدن موجب عصبانیت شما می شود .

اکنون شرکت های تعاونی از موقعیت خوبی برخوردارند .
اکنون شرکت های تعاونی موقعیت خوبی دارند .
- مجریان (اجرا کنندگان) این طرح باید جرئت خطر کردن را داشته باشند .
- لازمه ی اجرای این طرح خطرکردن است .
- عدم (نبود) برنامه ی مناسب ، فعالیت های ورزشی را به تأخیر انداخته است .
- نبود برنامه ی مناسب مانع اجرای به موقع فعالیت های ورزشی شده است .
کاهش بارندگی پارسال (سال گذشته) باعث کمبود آب های زیرزمینی شده است .
کاهش بارندگی در سال گذشته در کمبود منابع آب های زیرزمینی موثر بوده است .
بخش بعدی برنامه را ببینید .
به بخش بعدی برنامه توجه فرمایید .
مورخان جرئت کردند کشف خود را افشا کنند .(آشکارکنند)
مورخان با جرئت کشف خود را افشا کردند .
-ادامه ی چنین تهرین هایی و تأکید بر آن ها مهارت های نگارشی را تقویت می کند .
- در این مواقع انسان دچار خود پرستی بیهوده ای می شود .
حسن به برادرش گفت : « مقاله ات منتشر شده است .»
حسن به برادرش گفت : « مقاله ام منتشر شده است .»
حسن خبر انتشار مقاله ی برادرش را به وی داد .
حسن خبر انتشار مقاله ی خود را به برادرش داد .
۲-الف) واژه هایی که از نظر شکل نوشتار و گفتار یکسان هستند .
کنار: آغوش چنگ: دست لب: کنار
کنار: ساحل چنگ : نوعی ساز لب : عضو بدن
پ) واژه هایی که در یک واج اختلاف دارند :
سموم : زهر غره : روز اول ماه قمری صخره : تخته سنگ
سموم : بادهای سوزان غره : فریب صخره : ریشخند
رنگ : ماده شیمیایی که در نقاشی به کار می رود گل مُشت
رنگ : آهنگ و ریتم گل مُست

پ) واژه هایی که از نظر تلفظ یکسان و از نظر نوشتار متفاوت است .
خواست خوان
خاست خان

پرور+ش + گاه + ی یا (ها) زیب + ا + پسند + انه
نا + جوان + مرد + انه یا (ی) سر + افراز + ی (ان)
خود آزمایی درس چهارم(املای «همزه» در فارسی) ، ص ۳۴
۱- نشأت (نشئت)، مأخذ، سؤال ، اداره ، مرئوس، ائتلاف ، مؤانست ، اشمئزاز، ملجأ
-۲
۳-خوار، نیایش ، شپره ، والسلام ، خویش ، شنبه ، دست بند، منبر، سنبلی

خودآزمایی درس پنجم (مطابقت نهاد و فعل) ، ص ۴۱

۱- «جوشید» و «ترکید» چون ناگذر هستند ، مجهول نمی شوند و باید ابتدا آن ها را گذرا کنیم ، سپس مجهول سازیم .
الف) آب جوشید . الف) بادکنک ترکید .

ب) آشپز آب را جوشاند . ب) احمد بادکنک را ترکاند .

پ) آب جوشانده شد . پ) بادکنک ترکانده شد

ت) بلی ت) بلی

۲- آن ها با اسب حرکت کردند ، ما نیز به دنبالشان (حرکت کردیم : لفظی) . (ما : لفظی) صبح زود رسیدیم . آن ها زودتر (

از ما : لفظی) (رسیدند : لفظی) شهرمیان دشت گسترده بود . (شهر: لفظی) پر از دارودرخت

۳- (بود : لفظی) (شهر: لفظی) حالتی رویایی (داشت : معنوی) مثل این بود که (ما : لفظی) به بهارستانی نادیده چون

مینو قدم نهاده ایم . (شهر: لفظی) در قرن سوم بنا شده بود . از آن زمان تاکنون ، (شهر: لفظی) آرام و سبز در کنار کویر

نشسته ۱ چشم به راه آمدن مسافری بود که (آن مسافر: لفظی) به دیدارش می آمد .

۴- دانایان ← ی پختگی ← گ ترشیجات ← چ بچگانه ← گ سخن گویان ← ی گرسنگان ← گ روستایی ← ی نامه

ای ← ه (همزه) بانوان ← و زانوان ← و

خودآزمایی درس ششم (نگارش تشریحی) ص ۴۸

۱و۲- به عهده ی دانش آموز است .

۳- اگر گوینده و نویسنده به صحت مطلبی اطمینان نداشته باشند ... نباید آن q را بیان کنند . ← در کتاب فعل با نهاد
مطابقت ندارد .

جمله نیاز به ویرایش q داشت . ← فعل با نهاد مطابقت دارد . (هر دو مفرد است)

در صورتی که گفتارمان با رفتارمان مطابقت نداشته باشد ، اعتماد مردم را از دست می دهیم . ← در جمله اول فعل با نهاد
مطابقت ندارد .

این مسئله در شورای دبیرستان مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت ← (شد ، بدون قرینه حذف شده است)
جمله نیاز به ویرایش ندارد . q-

۵- بامدادان : زمان شادان : قید کندوان : مکان

سپاهان : مکان پاییزان : زمان گیاهان ، و سواران و مردان : «ان» علامت جمع است .

فعالیت ۱ ، ص ۴۹ درس هفتم

فعل شخص زمان گذر معلوم یا مجهول وجه

نمی خواندند سوم شخص ماضی استمراری گذرابه مفعول معلوم اخباری

می نشانند اول شخص جمع ماضی استمراری گذرای سببی به مفعول معلوم اخباری

دوخته نمی شد سوم شخص مفرد ماضی استمراری ناگذر (معلوم این فعل گذرا است) مجهول اخباری

بیابند سوم شخص مضارع التزامی ناگذر معلوم التزامی

داشتند می آمدند سوم شخص جمع ماضی مستمر ناگذر معلوم اخباری

فعالیت ۲ ، ص ۵۲

پخت : او را پختند . (آماده کردند) از گرما پختم . (خیلی گرم شد)

او خیال تازه ای پخت . (او فکر تازه ای در سر پروراند) میوه پخت . (رسید)

او در این کار کاملاً پخته شده است . (تجربه کسب کرده است) مادر غذا را پخت . (طبخ کرد)

اوچنان هوسی در دل پخت . (میل به هوس را به دل راه داد.)

دوخت : چشم به دردوخت . (خیره شد) دهانش را دوختند . (بستند)

خودش برید و خودش دوخت . (مطابق میل خود کاری را انجام داد) لباس را دوخت (به هم وصل کرد) او را با تیر به

درخت دوخت . (چسبانید)

فعالیت ۳ ، ص ۵۳

ساده معنی پیشوندی معنی

یافتن پیدا کردن بازیافتن پیدا کردن ، چیزی به آسانی به دست آوردن تفاوت معنایی دارد
 آمدن آمدن برآمدن بالا آمدن ، طلوع کردن تفاوت معنایی دارد
 گردانیدن نمود، چرخاندن بازگردانیدن مراجعت دادن ، پس فرستادن تفاوت معنایی دارد
 گذشتن عبورکرد، صرف نظر کردن درگذشتن مردن تفاوت معنایی دارد
 فرستادن ارسال کردن بازفرستادن پس دادن تفاوت معنایی دارد
 آسودن آرام گرفتن ، آرمیدن ، استراحت کردن برآسودن آرام گرفتن ، استراحت کردن ، آسایش یافتن تفاوت معنایی ندارد
 گماشتن کسی را به کاری منصوب کردن برگماشتن منصوب کردن ، وکیل کردن تفاوت معنایی ندارد
 گرفتن پذیرفتن ، اخذ کردن فراگرفتن آموختن ، احاطه کردن تفاوت معنایی دارد
 داشتن دارا بودن واداشتن وادارکردن تفاوت معنایی دارد

خودآزمایی ، درس هفتم (گروه فعلی) ، ص ۵۵

۱- علی ، دوستم را با اتوبوس به بیلاق برد و یک هفته او را در آن جا گذاشت .
 - سال گذشته که دوستان او را به کوهنوردی برده بودند، سنگ بزرگی را از کوه غلتانند و به دره انداختند.

۲-مصدر ساده پیشوندی

مصدر ساده پیشوندی

خوردن برخوردارن / فروخوردن

ریختن فرو ریختن

داشتن برداشتن / بازداشتن / واداشتن گرداندن بازگردان / برگرداندن

چیدن برچیدن خواندن فراخواندن / بازخواندن / فروخواندن

گشتن برگشتن / بازگشتن دادن سردادن / فرو دادن

آشفتن برآشفتن غلتیدن فرو غلتیدن / در غلتیدن

انگیختن برانگیختن کشیدن درکشیدن / برکشیدن / بازکشیدن / فروکشیدن

بستن فروبستن / بریستن ماندن درماندن / فروماندن / واماندن / بازماندن

گرفتن درگرفتن / فراگرفتن / فروگرفتن / برگرفتن / بازگرفتن / درگرفتن / واگرفتن خواستن بازخواستن / درخواستن

گذاشتن واگذاشتن / فروگذاشتن

بردن فروبردن رسیدن فرارسیدن / در رسیدن

خوردن:

- خورد: او غذا خورد . ← ۳ جزئی مفعولی

- برخوردار: ما در راه به هم برخوردیم . ← ۳ جزئی متممی

- فروخورد: او خشم خود را فرو خورد . ← ۳ جزئی مفعولی

داشتن:

- داشت: من چند کتاب داشتم . ← ۳ جزئی مفعولی

- برداشت: او کتاب را برداشت . ← ۳ جزئی مفعولی

- واداشت: او مرا به این کار واداشت . (وادار کرد) ← ۴ جزئی مفعولی ، متممی

- بازداشت: او مرا از این کار بازداشت (منع کرد). ← ۴ جزئی مفعولی ، متممی

چیدن:

- چید: او میوه ها را از درخت چید. ← ۳ جزئی مفعولی

- برچید: دست فروش بساطش را برچید.(جمع کرد) ← ۳ جزئی مفعولی

گشتن:

- گشت: او تمام خیابان را گشت . ← ۳ جزئی مفعولی

- برگشت: او دیروز ازمسافرت برگشت. (آمد) ← ۲ جزئی

آشفتن:

- آشفت : پدر از حرکات او آشفت . (غضبناک شد) ← ۳ جزئی
- برآشفت : او از سخنان من برآشفت. (غضبناک شد) ← ۳ جزئی
بستن :

- بست : در اتاق را بست . ← ۳ جزئی مفعولی
- بر بست : او بار خود را بر بست . ← ۳ جزئی مفعولی
- فرو بست : او چشمش را فرو بست . ← ۳ جزئی مفعولی
رسیدن :

- رسید : فریده به خانه رسید . ← ۲ جزئی
- فرار رسید : فصل زمستان فرار رسید. ← ۲ جزئی
- در رسید : یکدفعه او در رسید . (آمد) ← ۲ جزئی
گرفتن :

- گرفت : او هدیه را از من گرفت . (پذیرفت) ← ۴ جزئی مفعولی متممی
- برگرفت : کلاغ پنیر را برگرفت و رفت. (برداشت) ← ۳ جزئی مفعولی
- او مطلب را از کتاب گلستان برگرفت . (اقتباس کرد) ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
- در گرفت : جنگ در گرفت . (آغاز شد) ← ۲ جزئی
- فرا گرفت : زهرا درس را از معلم فرا گرفت . (آموخت) ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
- آب همه جا را فرا گرفت . (احاطه کرد) ← ۳ جزئی مفعولی
- فرو گرفت : او را فرو گرفتند. (بازداشت کردند) ← ۳ جزئی مفعولی
باز گرفت : کودک را از شیر باز گرفت . ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
- وا گرفت : او بیماری را از او وا گرفت . ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
در گرفت : ناگهان باران شدیدی در گرفت . (شروع شد) ← ۲ جزئی
بردن :

- برد: فریبا بچه را به مدرسه برد. ← ۳ جزئی مفعولی
- فرو برد: او سرش را در آب فرو برد. ← ۴ جزئی مفعولی ، متممی
ریختن :

- ریخت : آب بر زمین ریخت . ← ۲ جزئی
- فرو ریخت : باران از آسمان فرو ریخت . ← ۲ جزئی
گرداندن :

- گرداند: باران هوا را سرد گرداند. ← ۴ جزئی مفعولی ، مسندی
- برگرداند: او کتاب را برگرداند. ← ۳ جزئی مفعولی
- بازگرداند: او هدیه را بازگرداند. (پس داد) ← ۳ جزئی مفعولی
خواندن :

- خواند: او کتاب را خواند . ← ۳ جزئی مفعولی
- فراخواند : مدیر دانش آموز را فراخواند. (احضار کرد) ← ۳ جزئی مفعولی
- فروخواند : او سخن را به گوشش فرو خواند . (بدو فهماند) ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
دادن :

- داد : مادر بچه را غذا داد. ← ۴ جزئی دومفعولی
- مادر غذا را به بچه داد . ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
- فروداد: اولقمه را فروداد . ← ۳ جزئی مفعولی
غلتیدن :

- غلتید : سنگ از کوه غلتید. (افتاد) ← ۲ جزئی
- فرو غلتید : سنگی از کوه فرو غلتید. (به پایین افتاد) ← ۲ جزئی کشیدن :
- کشید : او دستم را کشید . ← ۳ جزئی مفعولی
- درکشید : طناب را درکشید . (پایین کشید) ← ۲ جزئی مفعولی / او دم در کشید (سکوت کرد) ← ۲ جزئی
- برکشید : او خود را برکشید . (ترقی داد) ← ۳ جزئی مفعولی
- اوسطل را از چاه برکشید. (بیرون کشید) ← ۳ جزئی مفعولی
- فرو کشید : او را از بالای دیوار فروکشید . ← ۳ جزئی مفعولی ماندن :
- ماند : فاطمه در خانه ماند . ← ۲ جزئی
- فروماند : ماه از جمال محمد (ص) فروماند . (متحیر شد) ← ۳ جزئی متممی
- درماند : خسرو از جواب دادن درماند . (عاجز شد) ← ۳ جزئی متممی
- بازماند : او از ادامه راه باز ماند . (خسته شد ، عقب افتاد ، عقب ماند) ← ۳ جزئی متممی خواستن :
- خواست : علی از من کتاب خواست . ← ۳ جزئی مفعولی
- درخواست و باز خواست : در زبان معیار به صورت فعل پیشوندی کاربرد ندارد و معمولاً در معنی مصدری به کار می رود . درخواست او مثل درخواست او منطقی نبود .

- ۳- استجاری (اجاره ای) احسنت مسح
- ۴ - تکلیف دانش آموزان است .
- خود آزمایی درس هشتم (زندگی نامه نویسی) ، ص ۶۳
- ۱- تکلیف دانش آموزان است .
- ۲- بیان غیر مستقیم به شیوه ی داستانی یا رمان گونه با استفاده از گونه ی ادبی
- ۳- چون بن مضارع همه ی این فعل ها یک تکواژ آزاد است .
- آموختن : آموز / آویختن : آویز / افزودن : افزا / آلودن : آلا / بخشیدن : بخش / پرداختن : پرداز / پیوستن : پیوند / سپردن : الف (سپر : طی کردن ، ب) سپار : سفارش کردن / فروختن : فروش / گفتن : گو / دویدن : دو

- فعالیت درس نهم (جمله ی ساده و اجزای آن) ص ۶۷
- من این مطلب را از او آموختم . (یاد گرفتم) ← ۴ جزئی مفعولی متممی
- آموختن من این مطلب را به او آموختم . (یاد دادم) ← ۴ جزئی مفعولی متممی
- من مطلب را آموختم . (درک کرد) ← ۳ جزئی مفعولی

گرفت :

- دوجزئی سه جزئی چهار جزئی
- خورشید گرفت (تاریک شد) آب همه جارا گرفت (احاطه کرد) طفل دستش را به دیوار
- قسمت دوم پاسخ خودآزمایی های درس زبان فارسی (۳) رشته های ریاضی فیزیک و علوم تجربی
- خود آزمایی درس یازدهم (بازگردانی و بازنویسی)

۱- الف) اگر تو هوشمندی به معنی توجه کن زیرا که ظاهر و لفظ به جای نمی ماند بلکه معنی حقایق معنوی پایدار است

(ب) من از رویدن خار بر سر دیوار دانستم که ناکس با این بالانشینی ها (مقام ها) کس نمی گردد.

مصراع دوم: که ناکس کس نمی گردد بدین بالانشینی ها

۱ ۴ ۵ ۶ ۲ ۳

(پ) اگر همواره خواستار موفقیت هستی راه و رسم بردباری را از مورچه بیاموز.

(ت) دوباره پلک دم می پرد این، نشانه چیست؟ شنیده ام که این نشانه می آمدن کسی به مهمانی است.

مصراع دوم: شنیده ام که می آید کسی به مهمانی

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

فعالیت ۱ درس دوازدهم (نظام معنایی زبان)

سعید کتاب را برد. (حمل کرد) سعید مسابقه را برد. (برنده شد)

سعید خوابش برد. (بیهوش شد) سعید آبرویش را برد.

فعالیت ۲،

تفاوت دومصراع

۱. معنی بیت: بیت اول وقتی از خدا شدی (به خدا روی آوردی) همه چیز از آن تو خواهد شد (همه چیز به تو روی

می آورد). بیت دوم وقتی از خدا برگشتی (روی برگرداندي) همه چیز از تو برمی گردد و به تو پشت می کند.

۲. معنی: فعل گشتن در مصراع اول به معنی شدن (روی آوردن) است و در مصراع دوم برگشتن (روی برگرداندن، دور و جداشدن) است.

۳. آهنگ: در مصراع اول آهنگ، افتان و در مصراع دوم، خیزان است.

۴. درنگ: در مصراع اول بین «چیز» و «از» درنگ لازم نیست ولی در مصراع دوم بین «چیز» و «از» درنگ لازم است.

۵. تکیه: در مصراع اول تکیه می فعل «گشت» بر هجای اول (گشتی) و در مصراع دوم تکیه بر هجای دوم «تی» است. و در مصراع دوم فعل «گشت» باید با کشش خوانده شود.

فعالیت ۳،

	قدیم	جدید		
دستور [۱]	وزیر، فرمان، اجازه	دستور زبان فارسی (فرمان)	ب	تحول معنایی
رکاب	حلقه مانندی فلزی که در دو طرف زین مرکوب آویزند و به هنگام سوار شدن پا را در آن کنند.	قسمتی از ماشین که برای سوار شدن بر آن پا می گذارند، رکاب دوچرخه	ت	با حفظ معنی قدیم معنی جدید پذیرفته است
تماشا	راه رفتن	نظاره کردن، گردش کردن	ب	تحول معنایی

کتیف	متراکم ، داراي جرم	آلوده و ناپاک	ب	تحول معنایي
رعنا	دراز و احمق ، ابله ، خود پسند	زیبا و خوش اندام	ب	تحول معنایي
دیوار	جداري دراطراف خانه وزمین	جداري در اطراف خانه وزمین	پ	معني یکسان است
سفینه	کشتي	فضا پیما	ب	تحول معنایي
قوس	کمان	خط خمیده	ب	تحول معنایي
کرسی	تخت حکومت ، مرکز حکومت	چهار پایه که آتش زیر آن می گذارند ب ولحاف روی آن قرا می دهند، صندلي	ب	تحول معنایي
سپر	ابزار جنگي	سپر ماشین	ت	با حفظ معني قدیم معني جدید پذیرفته است
زین ۲	زین اسب ، ابزار جنگي	(زین دوچرخه ، زین اسب)	ت	با حفظ معني قدیم معني جدید پذیرفته است
دستار	سربند ، دستمال	_____	الف	کاربرد ندارد
جامه	لباس ، پارچه ، بستر و فرش	لباس	پ	معني یکسان است

خود آزمایي درس دوازدهم

۱- نزاجا: نیروي زميني ارتش جمهوري اسلامي ايران

نهاجا: نیروي هوایي ارتش جمهوري اسلامي ايران

اتکا: اتحادیه تعاوني هاي کارکنان ارتش یا اداره تدارکات کارکنان ارتش

هما: هواپیمایي ملي ايران

۲- پوش : پوشه ، پوشش، پوشاک، کف پوش ، روپوش
کوشا ، سخت کوش
نوش : نوشابه ، خوش نوش ، نوشین / کوش: کوشش ،

۳-

لغت	قدیم	جدید
شوخ	چرك	مزاح
سوگند	گوگرد ، سودسوز آور	قسم
حوصله	چینه دان	صبر
پیکان	نوك تيز فلزي تیر	نوعي ماشین
سیاست	تنبيه	سیاست

۴- خوي : عرق / انگين : عسل / بابزن : سيخ كباب / پزوپزن : غربال / درزي : خياط / چخیدن : ستيزه کردن

۵- هوش بري ، يادمان ، گفتمان ، کالبدشناسي ، تورم ، يارانه ، رایانه ، آسیب شناسي ، بسامد

۶- سگو، ملاي روم ، معلّم، ابهت ، دگان ، جاده ، ضالّه ، خاصيت

درس سيزدهم (گروه اسمي) فعاليت ۱

- ۱- صفت اشاره : اين درخت بلند است
- ۲- صفت پرسشي: كدام كتاب را بردي ؟
- ۳- صفت مبهم : هيچ انساني بي نياز از فرهنگ نيست
- ۴- صفت شمارشي اصلي : دو كتاب از قفسه برداشتم .
- ۵- صفت شمارشي (ترتبي): كتاب فيزيك در دومين ردیف است .
- ۶- صفت تعجبي : چه باغ زيبايي!
- ۷- صفت عالي: بزرگترين اثر حماسي ايران ، شاهنامه فردوسي است .
- ۸- شاخص: سيد محمد حسين بهجت متخلص به شهریار است .

- ۱- آن كتاب را بردار.
- ۲- چه ساعتی به خانه مي آيي؟
- ۳- همه چيز را خدا آفریده است .
- ۴- سه قلم خريدم .
- ۵- به سومين کلاس برويد .
- ۶- عجب دانش آموز پرتلاشي !
- ۷- آقا محمد به خانه رفت .

فعاليت ۲

خود شما داناي راز استقبال باشکوه وابسته پيشين افزودن شکر
خود آزمايي درس سيزدهم ،

- ۱- حر ، قرن ، دليل ، فرقه ، تحفه ، مصيبت ، نابغه
- ۲- مجانين/ طلاب، کبار، وکلا، اوصيا، (امروز واژه «طلبه» در معني مفرد به کار مي رود و جمع آن «طلاب» است)
- ۳- خواهر :

۱- شاخص : خواهر احمدي امروز غايب است .

۲- هسته گروه اسمي : زينب خواهر زهرا آمد.

کدخدا :

۱- شاخص: کدخدا صفر، به روستا برگشت .

۲- هسته گروه علمي : او کدخدای روستاي علي آباد است .

۴- باغبان مَسْتَمَنَد استوار دودمان يادگار
باغبان مَسْتَمَنَد اُسْتوار دودمان يادگار

۵- معطوف: عطار ، شاعر و عارف معروف قرن هفتم است .

بدل : کیومرث صابری ، طنزپرداز معاصر ، مدیر هفته نامه گل آقا بود .

تکرار: من او را دیدم او را .

خود آزمایی درس چهاردهم (آشنایی با نوشته های ادبی)

۱- تکلیف دانش آموزان است .

۲- تکلیف دانش آموزان است .

۳- جیغ زنان	رد کرد	پنهان	زل زد
حرکت می کرد	می مالید	توی	سریع

فعالیت ۱ ، درس پانزدهم (گروه اسمی (۲))

کفش : جفت ، لنگه

جوراب : جفت ، دوجین

تخم مرغ : عدد ، شانه ، کارتن ، کیلو ، تا

نخود و لوبیا : کیلو ، من ، تن

کاغذ: ورق ، برگ ، بند

کتاب : جلد ، تا ، نسخه

فعالیت ۲،

نقش های اصلی

۱- نهاد: غلامحسین یوسفی ، در مشهد ولادت یافت .

۲- مفعول : الب ارسلان ، امپراتور روم را اسیر کرد .

۳- متمم فعل : علی (ع) با دشمنان دین جنگید.

۴- مسند: چشمه روشن ، کتابی ارزشمند است .

نقش های تبعی

۱- معطوف : سعدی ، کتاب گلستان و بوستان رانوست.

۲- تکرار: احد به خانه رفت به خانه .

۳- بدل : سعدي ، مؤلف گلستان ، در قرن ۷ مي زیست .

نقش هاي وابسته

۱- شاخص : دکتر غلامحسین یوسفی ، مؤلف کتاب ارزشمند «دیداری با اهل قلم» است .

۲- صفت : دهخدا ، نویسنده و دانشمند معروف قرن چهاردهم است .

۳- مضاف الیه : مادر خشایارشاه ، دختر کوروش بود .

۴- متمم اسم : او در نقاشی مهارت دارد .

۵- قیدمسند : پدرش بسیار به داستان علاقه مند بود .

نقش هاي وابسته ي وابسته:

۱- صفت صفت : لباس او سبز روشن است .

۲- مضاف الیه مضاف الیه : پاکستان از کشورهای همسایه ایران است .

۳- ممیز: دو جلد کتاب خریدم .

۴- قید صفت : خسرو آوازي بسیار خوش داشت .

۵- صفت مضاف الیه : شاخه ي این درخت بسیار بلند است .

فعالیت ۳ ،

۱- زهرا به این درس خیلی علاقه دارد . ← علاقه به این درس

۲- او به کتابش نیاز دارد . ← نیاز به کتابش

۳- او در نقاشی مهارت دارد . ← مهارت در نقاشی

۴- او بر اعصابش تسلط دارد . ← تسلط بر اعصاب

۵- خبرنگار با رئیس مجلس مصاحبه کرد . ← مصاحبه با رئیس مجلس

۶- رستم با اسفندیار دشمنی نداشت . ← دشمنی با اسفندیار

۷- از دروغگو نفرت دارم . ← نفرت از دروغگو

* متمم اسم ، بعضي مواقع پيش از اسم خود و بعضي مواقع بعد از آن مي آيد، ولي در نثر معيار امروز اغلب متمم هاي اسم ، پيش از اسم خود قرار مي گيرند، مانند مثالهاي بالا.

بحث درباره ادبيات خوب است / يكي از بزرگان گفت ... (متمم اسم بعد از خود واقع شده است)

خود آزمايي درس پانزدهم

- ۱- امروز، مرکز توزيع کتاب ، بسته است .
- ۱- مرکز توزيع کاغذ ، در بازار است .
- ۲- غرفه هاي نمايشگاه کتاب ، CD مي فروشد .
- ۲- کارخانه ي توليد کاغذ، در کجاست ؟
- ۳- رنگ کاغذ کتاب، مناسب نيست .
- ۳- ماشين حمل کاغذ ، به شيراز آمد.
- ۴- ديوار نمايشگاه کتاب ، به رنگ سفيد بود .
- ۴- پيشنهاد خريد کاغذ را به او دادم .
- ۵- اندازه کاغذ اين کتاب ، بسيار کوچک است .
- ۶- تصويرهاي صفحه ي کتاب ، زيبا است .

۲- قانون <u>نانوشته</u>	دستگاه <u>قضايي</u>	کرتي <u>استادي</u>	ادبيات
صفت مفعولي	صفت نسبي	مضاف اليه	مضاف اليه
ديوار بلند <u>باغ</u>	<u>شش</u>	دستگاه دوربين <u>فيلم برداري</u>	<u>نو</u>
مضاف اليه	صفت شمارشي	مميز هسته	مضاف اليه
صفت بياني	صفت شمارشي	صفت بياني	صفت بياني

۳- خرمن ، خرمن / مداد ، مداد / مَهاد ، مُهاد / کرامت ، گرامت

۴- تکليف دانش آموزان است .

۵- افتخار به دوستي با دانايان ، افتخار واقعي است .

نهاد متمم اسم (نهاد) متمم متمم مسند صفت فعل

خود آزمايي درس شانزدهم

۱- تکليف دانش آموزان است .

۲- تکليف دانش آموزان است .

۳- غره مشو، متمم فعل ، مصاحب خوب ، مَصوت کوتاه ، مضاف اليه

فعاليت ۱

اسم ساده مثل فعل ساده گسترش پذير ست . مثل گل سرخ ← گل هاي سرخ ولي در اسم غير ساده مثل فعل غير ساده ، گسترش پذير نيست و نمي توان در ميان اجزاي تشكيل دهنده ي آن هيچ تکواضي قرار داد . مثل : خوش نويس ، کتاب خانه

← خوش نویسی ها ، این خوش نویسی ها ، خوش نویسی ممتاز و نمی توان گفت ← خوش ها نویسی ، خوش این نویسی ، خوش کدام نویسی ها ، خوش ممتاز نویسی .

فعالیت ۲

مادر شوهر ، کرایه تاکسی ، آب پرتقال ، خیار شور ، زن دایی ، پسر عمو ، چلوخورشت

خودآزمایی درس هفدهم

۱- *کلمات مرکبی که جای هسته و وابسته عوض شده است :

گل خانه ← خانه گل	پیرزن ← زن پیر	پیرمرد ← مرد پیر	دل درد ← درد
دل	گلاب ← آب گل	جوانمرد ← مرد جوان	کارنامه ← نامه کار
سرای دانش سیلاب ← آب سیل	کارخانه ← خانه کار		دانشسرا ←

*کلمات مرکبی که جای هسته و وابسته عوض نشده است فقط نقش نمایی اضافه از بین رفته است :

آلو بخارا ← آلو بخارا	صورت حساب ← صورت حساب	چوب لباس ← چوب لباس
قد بلند ← قد بلند	صاحب خانه ← صاحب خانه	لیموعمانی ← لیمویی عمانی جا
مدادی ← جای مداد	زیر دستی ← زیر دستی	

۲- الف)

- کتاب فروش ← کسی که کتاب را می فروشد .

- دانشجو ← کسی که دانش را می جوید .

- دانش آموز ← کسی که دانش را می آموزد .

- دادخواه ← کسی که داد را می خواهد .

- جنگجو ← کسی که جنگ را می جوید .

- دل شکن ← کسی که دل را می شکنند .

- دل ربا ← کس که دل را می رباید .

- حق گو ← کسی که حق را می گوید .

ب)

- سیه دل ← کسی که دل سیه دارد .

- سفید بخت ← کسی که بخت سفید دارد .

- شادکام ← کسی که کام شاد دارد .

- نکونام ← کسی که نام نیکو دارد .

- زیبا رو ← کسی که روی زیبا دارد .

- خوش نیت ← کسی که نیت خوش دارد .

- کند ذهن ← کسی که ذهن کند دارد.

- کج خلق ← کسی که خلق کج دارد.

۳- تکلیف دانش آموزان است .

خود آزمایی درس هجدهم

۱- نشان دار : دارالحکومه ، دارالتولیه ، بین المللی ، من البدو الی الختم، لغایت ، عظیم الجثه ، قلیل البضاعه ، مسلوب الاراده

بی نشان : سخاوت

۲- هر دو دخیل، نشانه دار ، عربی و قیدند.

مع الوصف (با این همه ، با آن که ، با این که ، با این وصف) برای توصیف به کار می رود .

مع الاسف (با تأسف، دردا، دریغ) به هنگام تأسف و پشیمانی به کار می رود .

۳- گزینه د ، زیرا قابلیت ها وامکاناتی از گذشته در زبان داریم که باید حداکثر استفاده را از آن ببریم و گنجینه ی واژگانی را غنی سازیم .

از طرف دیگر «بسیارکم» فارسی است و کاربرد آن بهتر است .

«به ندرت» نیمی عربی و نیمی فارسی است و کاربرد آن غلط نیست .
«ندرتاً» عربی نشانه دار است . در حد اعتدال می توان از آن استفاده کرد.

خود آزمایی درس نوزدهم

۱- تکلیف دانش آموزان است .

۲- تکلیف دانش آموزان است .

۳- تکلیف دانش آموزان است .

۴- مشتق : گلزار ، گلدان ، گلستان

ساده : گلشن (چون «شن» زایا نیست)

مرکب : گلنار ، گلاب ، گل ساز ، گلاب پاش ، گل شهر ، گلدار ، گل پوش ، گل بوته

مشتق مرکب : گل دوزی

ترکیب اضافی : ساقه ی گل ، بوته ی گل

ترکیب وصفی : گل زیبا

خود آزمایی درس بیستم

افشانه ← افشان (بن مضارع) + ه (پسوند) ← اسم مشتق نمودار ← نمود (بن ماضی) + ار (پسوند) ← اسم مشتق

کارانه ← کار (اسم) + انه (پسوند) ← اسم مشتق بیچاره ← بی (پیشوند) + چاره (اسم) ← اسم مشتق
سبزه زار ← سبز (صفت) + ه (پسوند) + زار (پسوند) ← اسم مشتق

سیمینه ← سیم (اسم) + ینه (پسوند) ← صفت مشتق

۱- باادب :

پیشوند: او دختر با ادبی است .

حرف اضافه: او با ادب و علم ، همه را شیفته ی خود کرد .

بی نام :

پیشوند: آن ها سربازان بی نام و نشان بودند .

حرف اضافه: شروع هر کار بی نام خدا (ناحق است) . پسندیده نیست .

بی کار :

پیشوند: جوانان بی کار زودتر گمراه می شوند .

حرف اضافه: بیکار و فعالیت امکان اداره امور زندگی نیست .

باهنر:

پیشوند: او هم ، باهنر و هم تحصیل کرده است .

حرف اضافه: او باهنر خود به جامعه خدمت می کند .

۳-

سهم + گین ← سهمگین

q خشم + گین ← خشمگین

q گوش + ه ← گوشه لب + ه ← لبه چشم + ه ← چشمه دهان + ه ← دهانه تیغ + ه ← تیغه

q نا + بینا ← نابینا نا + شنوا ← ناشنوا نا + دان ← نادان

-۴

مان : سازمان ، گفتمان ، یادمان ، ساختمان

کده : دانشکده ، دهکده ، هنرکده ، میکده

ناک : دردناک ، سوزناک ، سهمناک ، وحشتناک

سار : چشمه سار ، کوهسار ، شاخسار

وش : پریش ، مهوش

دیس : طاق‌دیس ، تندیس ، گلدیس

۵ - پنج کلمه مثال بنویس که فرآیند واجی کاهش در آن ها صورت گرفته باشد : دسبند ، ماست بند ، پستیچی ، امضا شرافکن (شرفکن)

خود آزمایی درس بیست و یکم

۱- ایجاد ارتباط (برای انتقال پیام) : من درس خوانده ام / فردا مدرسه تعطیل است / دوست شما فردا از مسافرت می آید / صبح بخیر / کمک می خواهید /

محمل اندیشه : سنگ فاقد روح است / روح یک پدیده الهی است و اثبات آن تنها به یاری وحی ممکن است .

حدیث نفس : (خطاب به خود) باید امشب بروم / نباید بترسم / باید عجله کنم /

آفرینش ادبی : شکوفه ی دل با نسیم محبت ، گریبان چاک می کند / هرچه نیاید دل‌بستگی را نشاید (هر جمله ادبی یک آفرینش ادبی ایجاد می کند)

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد اکسیر عشق برمسم افتاد و زر شد

۲- ایجاد ارتباط ، زیرا برقراری هرگونه مناسبات اجتماعی ، انتقال پیام ، ایجاد ارتباط ، هم حسی ، هم دلی و هم زبانی با دیگران در مسائل اجتماعی از طریق ارتباط کلامی صورت می گیرد .

یا زیرا زبان یک پدیده قانون مند اجتماعی است که برای اطلاع رسانی ، ایجاد هم حسی ، هم زبانی و هم دلی به کار می رود

۳- انسان تنها موجودی است که فکر می کند و سخن می گوید و از این طریق معلوم می شود بین فکر و زبان ارتباط عمیقی وجود دارد . زبان «تکیه گاه اندیشه» است یعنی به خاطر وجود زبان است که انسان قادر به اندیشیدن است اگر انسان از زبان بی بهره بود نه می توانست تفکر کند و نه می توانست علمی به دست آورد و نه می توانست علم خود را به دیگران منتقل کند . اغراق نیست اگر گفته شود بدون زبان حیات انسان بر روی زمین ناممکن بوده است .

۴- گ: ستارگان ، بندگان ، بچگی ، بچگانه

همزه: خانه اي ، نکته اي

ج: سبزیجات ، میوه جات

و: ابروان ، آهوان ، زانوان

ک: نیاکان ، پلکان

د: بدین (به این)، بدان (به آن)

هـ : بهش (بـ ش)

خودآزمایی درس بیست و دوم

۱- تکلیف دانش آموزان است .

۲- تکلیف دانش آموزان است .

۳- اشکم = شکم / گنبز = گنبد / رمبیدن = خراب شدن / الشتی = لاغر - زشت / پرچل = کثیف /

۴- الف (روی آوردن به ادبیات معاصر از اوایل دوره ی مشروطه آغاز شد.

ب) تم هنگام بازگشت به کلبه و طی ساعات کار همواره برای دل جوی کردن از ضعفا و نومیدان و تسلا بخشیدن به آن ها وسیله ای می یافت .

پ) حساب اسفندیار از حساب گشتاسب جداست . جدا از حساب گشتاسب است .

ت) گذشتن از سرآن همه دوستی ها آسان نیست .

ث) او به طبیعت نگر است .

ج) دانش آموزان از امکانات تحصیلی خود استفاده می کنند. ← استفاده از امکانات

چ) به مدیر مدرسه مراجعه کردم .

ح) نگاهش لیریز از محبت است .

خ) او از دشمن می ترسید. (متمم فعل)

د) این سخنان را از زهرا شنیدم . (متمم فعل)

ساختمان واژه ۳

فعالیت درس بیست و چهارم

۱- بن ماضي وند+ بن ماضي:داد و ستد، زدو خورد، نشست و برخاست ، دیدو بازدید، رفت و آمد، گفت و شنید

۲- بن مضارع + وند+ بن مضارع: گپرو دار ، پرس و جو ، خواب و خور

۳- بن ماضي + وند + بن مضارع : پخت وپز، زدو بند، گفت و گو، خرید و فروش

فعالیت ۲

قید: سراسر، سرتا پا، دوشادوش، دست به دست، قدم به قدم، برابر

اسم: تخت خواب، رخت خواب

قید - صفت: گوش به زنگ، دست به عصا، روبه رو، قلم به دست، مالمال

اسم - قید: شانه به سر
اسم: مرگ و میر، کشت و کشتار، آموزش و پرورش
صفت: رنگ به رنگ

فعالیت ۳

برای شناخت نوع کلمه باید به کاربرد واژه در جمله توجه کنید .

ناهماهنگی ← اسم ناراحتی ← اسم بی نظمی ← اسم ناشکیبا ← صفت - قید نیافتنی
صفت ← نخواندنی ← صفت نسنجیده ← صفت - قید بی ادبی ← اسم هماوازی
صفت ← کشتارگاه ← اسم ناشکری ← اسم دانشگاه ← اسم

بی مسئولیتی ← اسم همکاری ← اسم ناشنوایی ← اسم ستایشگری ←
اسم توانگری ← اسم نابینایی ← اسم ناخوانا ← صفت - قید همهری ← اسم

خود آزمایی درس بیست و چهارم

-۱

واژه	تجزیه نخست	تجزیه دوم	تجزیه سوم
ناشکری	ناشکر + ی	نا + شکر	
نامردمی	نا + مردمی	مردم + ی	
کشتارگاه	کشتار + گاه	کشت + ار	
بی سروسامانی	بی سروسامان + ی	بی + سرو سامان	سر + و + سامان
هم دردی	هم درد + ی	هم + درد	
سنجیده	ن + سنجیده	سنجید + ه	سنج + ید
هنر آموزی	هنر آموز + ی	هنر + آموز	
همکاری	همکار + ی	هم + کار	
پرور بندی	پرور بند + ی	پرور + بند	
دل بستگی	دل بسته + گی	دل + بسته	بست + ه
ده تومانی	ده تومان + ی	ده + تومان	

دادگان	دل داده + گان	دل + داده	داد + ه
دانشجویان	دانشجو + یان	دانش + جو	دان + ش

-۲

واژه	تکواژ	صامت ها	تعداد واج
ناشکری	نا + شکر + ی	ن، ا، ش، -، ک، ر، ی	۷
کشتارگاه	کشت + ار + گاه	ک، -، ش، ت، ا، ر، گ، ا، ه	۹
نامردمی	نا + مردم + ی	ن، ا، م، -، ر، د، -، م، ی	۹
بی سروسامانی	بی + سر + و + سامان + ی	ب، ی، س، -، ر، و، س، ا، م، ا، ن، ی	۱۲
هم دردی	هم + درد + ی	ه، -، م، د، -، ر، د، ی	۸

۳- تکلیف دانش آموزان است .

[۱] -از این نظر که معنی قدیم خود را از دست داده (اجازه و وزیر) و معنی جدید (دستور زبان) پذیرفته است ، تحول معنایی «ب» یافته است . و از نظر این که هم در قدیم و هم در جدید به معنای «فرمان» است می تواند جزء گروه «ت» هم به حساب آید ولی صحیح تر همان «ب» تحول معنایی است .

۲ - زین : در معنای «ابزار جنگی» معنای خود را از دست داده است و معنی جدید پذیرفته است جزء «ب» می شود .